

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا با نظر به دیدگاه وحی نفسی

استاد راهنما:

دکتر اعلاء تورانی

استاد مشاور:

دکتر زهره توازیانی

دانشجو:

معصومه رهبری

تیرماه ۱۳۹۰

تقدیم

تقدیم به آستان حقیقت

و آنان که وصالش را می جویند

و آنان که در آغوشش کشیده اند

و آنان که خود عین حقیقت اند

تقدیر و تشکر

اعتراف می‌کنم که نه زبان شکر تو را دارم و نه توان تشکر از بندگان تو، و اما بر حسب وظیفه از کلیه اساتید ارجمند در طول سالهای به یاد ماندنی شاگردیشان تشکر می‌نمایم، مخصوصاً از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر تورانی و سرکار خانم دکتر توازیانی برای راهنمایی، مشاوره و هدایت این پایان‌نامه. همچنین تشکر می‌کنم از خانواده عزیزم که تشویق‌ها و محبت‌های آنها باعث دلگرمی من در نوشتن این پایان‌نامه شد.

چکیده

برخی از فیلسوفان اسلامی، از جمله فارابی و ملاصدرا با اعتقاد به قدسی و الهی بودن وحی، به تبیین فلسفی آن پرداخته اند. فارابی در تبیین فلسفی خود در مورد نحوه دریافت حقایق وحیانی معتقد است که نبی با طی مراحل عقلانی قادر است به عقل فعال متصل شده و حقایق کلی وحی را با قوه ناطقه خود و حقایق جزئی وحی را با قوه خیال خود از آن دریافت کند. ملاصدرا برخلاف فارابی معتقد است نبی با داشتن عقل قدسی قادر است بدون طی کردن مراحل عقلانی، حقایق کلی وحی را از عقل فعال دریافت کند. اما در مورد حقایق جزئی وحی ملاصدرا معتقد است که نبی آنها را در عالم دیگری به نام عالم خیال، توسط قوه خیال خود مشاهده می کند. در مقابل دیدگاه فارابی و ملاصدرا که به وحی قدسی معتقدند، دیدگاه وحی نفسی قرار دارد. معتقدان به وحی نفسی نیز بر نقش مهم قوه خیال در وحی تاکید دارند، اما از این نقش قوه خیال در جهت انکار وحی قدسی و الهی استفاده کرده اند. بنابراین با نظر به اهمیت قوه خیال در پدیده وحی و وجود قرائت های متفاوت از آن نگارنده در پی مقایسه دیدگاه دو فیلسوف مسلمان در این خصوص با نظر به وحی نفسی می باشد.

واژگان کلیدی: قوه ناطقه، قوه خیال، تبیین فلسفی وحی، وحی نفسی، عقل قدسی، عقل فعال.

فهرست مطالب

فصل اول: تعاریف و کلیات	۱
مقدمه	۲
۱-۱ صورت کلی تحقیق	۶
۱-۱-۱ پرسش پژوهش و تبیین آن	۶
۱-۱-۲ پرسش های فرعی	۷
۱-۱-۳ فرضیات پژوهش	۷
۱-۱-۴ اهداف پژوهش و ضرورت آن	۷
۱-۱-۵ پیشینه پژوهش	۸
۲-۱ تعاریف	۹
۱-۲-۱ معنی لغوی وحی	۹
۲-۲-۱ معنای لغوی خیال	۱۰
۳-۲-۱ وحی در اصطلاح حکما	۱۲
۴-۲-۱ خیال در اصطلاح حکما	۱۴
فصل دوم: نقش قوه خیال در وحی از نظر فارابی	۱۸
۱-۲ مقدمه	۱۹
۲-۲ سرچشمه حقایق و حیانی (عقل فعال)	۲۱
۳-۲ نفس و قوای آن	۲۳
۴-۲ ادراک نزد فارابی	۲۴
۵-۲ قوه ناطقه	۲۶
۶-۲ قوه متخیله (قوه خیال)	۲۷
۷-۲ تبیین فارابی از وحی	۳۱

۳۳ ۸-۲ نقش قوه متخیله در وحی
۳۵ ۹-۲ نقش قوه خیال در وحی از جهت ابلاغ آن به مردم
۳۷ ۱۰-۲ نسبت بین فیلسوف و نبی
۳۹ ۱۱-۲ رفع تعارض بین فلسفه و وحی
۴۲ فصل سوم: نقش قوه خیال در پدیده وحی از نظر ملاصدرا
۴۳ ۱-۳ مقدمه
۴۴ ۲-۳ عقل فعال
۴۵ ۳-۳ نفس و قوای آن
۴۸ ۴-۳ وحدت نفس با قوا
۵۰ ۵-۳ ادراک از نظر ملاصدرا
۵۱ ۱-۵-۳ مدرک حقیقی ادراکات
۵۲ ۲-۵-۳ ادراک عقلی (تعقل)
۵۵ ۳-۵-۳ ادراک خیالی (تخیل)
۵۷ ۴-۵-۳ ادراک حسی (احساس)
۵۸ ۶-۳ تبیین ملاصدرا از وحی
۵۸ ۱-۶-۳ تبیین وحی در قوس نزول
۶۰ ۲-۶-۳ تبیین وحی در قوس صعود
۶۲ ۷-۳ خصایص نبی
۶۴ ۸-۳ نقش قوه خیال در ادراکات کلی و حیانی
۶۶ ۹-۳ نقش خیال در ادراکات جزئی و حیانی
۶۸ ۱۰-۳ خطا ناپذیری وحی
۶۹ ۱۱-۳ وحی امری اکتسابی یا موهبی

فصل چهارم: مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا در مورد نقش قوه خیال در وحی با نظر به

دیدگاه وحی نفسی	۷۲
۱-۴ مقدمه	۷۳
۲-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره پدیده وحی	۷۴
۱-۲-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره عقل فعال	۷۴
۲-۲-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره نفس و قوای آن	۷۴
۳-۲-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره خیال	۷۵
۴-۲-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره کیفیت ادراک	۷۵
۳-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا درباره نقش قوه خیال در وحی	۷۷
۴-۴ تبیین وحی نفسی	۷۹
۱-۴-۴ وحی نفسی با توجیه تجلی ضمیر ناخودآگاه بر خودآگاه	۷۹
۲-۴-۴ وحی نفسی با توجیه بروز تخیلات بر قوه خیال	۸۱
۳-۴-۴ دیدگاه دکتر سروش پیرامون وحی نفسی	۸۲
۴-۴-۴ وحی نفسی اصطلاح جدیدی بر روی یک اندیشه جاهلی	۸۷
۵-۴ مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا با دیدگاه وحی نفسی	۸۸
نتیجه	۹۲
بحث و پیشنهادات	۹۳
فهرست منابع	۹۵

فصل اول

تعاریف و کلیات

مقدمه:

پدیده وحی یکی از آموزه ها و مفاهیم کلیدی و بنیادین ادیان آسمانی است که ذهن بشر را همیشه معطوف به خود داشته و سبب شده است تا انسان، توجیه پایداری بر آن بیابد و احیاناً به شبهات آن پاسخ مناسب را بدهد. رسالت جهانی پیامبر خاتم نیز در رهگذر شبهات از نقدها مصون نبوده، از روز نخست مورد مخالفت جدی گروههای الحادی قرار گرفته و تفسیرهای مختلفی از آن بعمل آورده اند. آنها اغلب سعی کرده اند تا با توجیهاتی مانند القائنات شیطانی، شاعری، جنّ زدگی، داستان سرایی گذشتگان، سحر و جادو و افترا و کذب، وحی را ساخته و پرداخته خود پیامبر قلمداد کنند.

اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان نیز که بزرگترین دغدغه شان ارائه تبیینی خرد پسند و عقلانی از وحی بوده است، دوشادوش منکران و مشرکان وحی وارد مباحث مربوط به وحی شده و به نحو قابل توجهی با پاسخگویی و رفع شبهات مربوط به وحی، به مقابله با منکران و معاندان دین پرداخته اند. آنها اغلب سعی کرده اند وحی را به مثابه نوعی معرفت در نظر گرفته و آن را در نظام معرفت شناختی خود مورد بررسی و تحلیل معرفت شناختی قرار دهند.

نخستین فیلسوف مسلمانی که به نحو جدی وحی را مورد بحث قرار داده و در جهت کشف حقیقت و ماهیت آن تلاش کرده است، ابونصر فارابی ملقب به «معلم ثانی» است. فارابی در سال ۲۵۷ هجری در فاریاب خراسان به دنیا آمده است و در همانجا نیز به تحصیل پرداخته است. وی بعد از اتمام تحصیلات خود، مدتی به عنوان قاضی مشغول به کار می شود. اما بعداً برای مطالعه کتب فلسفی راهی دمشق می شود. مدتی بعد هم به بغداد رفته و با آشنا شدن با اساتید بزرگی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان، منطق را نزد آنها می آموزد. اما بعد ها به دلیل اوضاع آشفته سیاسی بغداد، به حلب رفته و تا پایان عمر در آنجا زندگی می کند.

مهمترین آثار فارابی عبارت اند از: *مبادی آراء اهل مدینه فاضله، احصاء العلوم و تعریف باعراضها، ماینبعی ان تعلم قبل الفلسفه، السیاسه المدنیه، الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و*

ارسطوطاليس، رساله في ماهيه العقل، تحصيل السعاده، اجوبه عن مسائل فلسفه، رساله في اثبات المفارقات، اغراض ارسطوطاليس في كتاب مابعدالطبيعه، رساله في السياسه و فصوص الحكمه. البته در اسناد كتاب فصوص الحكمه به فارابي جاي شك و ترديد است. اصحاب تراجم اين كتاب را به فارابي نسبت نداده اند.^۱ همچنين اين كتاب به لحاظ محتوایی بویژه در مبحث وحی با سایر کتب فارابی تفاوت زیادی دارد.^۲ به همین دلیل در این رساله سعی شده تا این کتاب مورد استفاده قرار نگیرد.

فارابی وحی را بیشتر از جنبه معرفت شناختی آن بررسی کرده است به همین دلیل بحث خود را در این زمینه، بر بررسی قوای عقلانی و ادراکی بشر به ویژه قوه خیال مبتنی ساخته است. تفاسیر و تبیین های وی از وحی، در آثار معروف او به ویژه در *آراء اهل المدینه الفاضله*، مجموعه رسائل در مقاله *معانی عقل و سیاسه المدنیه* مطرح شده است.

محمد بن ابراهیم یحیی قوامی شیرازی معروف به صدرالمتهلین (ملاصدرا) نیز تقریباً همین شیوه را در تبیین وحی به کار برده است. ملاصدرا نیز همانند فارابی، نقش مهمی را برای قوه خیال در وحی قائل است. وی حدوداً در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز متولد شد و در سال ۱۰۵۰ وفات یافت. وی در کودکی از همه دانشهای زمان خود مقداری آموخته بود ولی طبع او بیشتر به فلسفه و بخصوص عرفان علاقمند بود. بیشترین بهره علمی ملاصدرا در زمینه عرفان و فلسفه، نزد میرداماد بوده است. ملاصدرا پس از تکمیل تحصیلات به تحقیق عمیق در آثار حکماء فلاسفه، عرفا و متکلمان پرداخت و بر آراء و افکار پیشینیان (در علوم الهی) احاطه یافت. روح خلاق ملاصدرا و جامعیت علمی او سبب شد تا وی، ضمن بهره گیری از مزایا و جهات مثبت مکاتب دیگر و استفاده از آراء و افکار پیشینیان، اقدام به تأسیس مکتب جدید و مستقلی به نام حکمت متعالیه بکند. و با روش مخصوصی عقاید و آرای علمی خود را تصنیف و تألیف نماید. مهمترین آثار به جا مانده از وی عبارت اند از: //حکمه

^۱ - میان محمد شریف، *تاریخ فلسفه در اسلام*، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲، جلد ۱ صص ۸۰-۷۹.

^۲ - ملایری، موسی؛ *تبیین فلسفی وحی از فارابی تا ملاصدرا*، چاپ اول، انتشارات کتاب طه، قم، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۳.

المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، المبدأ و المعاد، تفسیر القرآن الکریم، الشواهد الربوبیه، زاد المسافر،
مفاتیح الغیب، المشاعر، شرح اصول کافی، اسرار الآیات، رساله الحدوث، رساله اتصاف الماهیه، رساله
التصور و التصدیق، رساله التشخیص، رساله القضاء و القدر و... .

فارابی و ملاصدرا در زمینه تبیین مفاهیم دینی به ویژه وحی و نبوت تلاش های زیادی را انجام
دادند. و با ارائه تبیینی عقلانی و فلسفی، به خوبی توانستند به مقابله با منکران و معاندان زمان خود
بپردازند.

با شروع انقلاب علمی و پیدا شدن علوم جدید در غرب، عده ای از دانشمندان مادی با خط بطلان
کشیدن بر روی کلیه مسائل ماوراء الطبیعی، آنها را خرافات قدیمی ای برشمردند که توسط عده ای
افراد سودجو و یا بیمار بوجود آمده است. اما در سال ۱۸۸۲ م با تشکیل شدن جمعیتی به نام
(جمعیت بحث های روحی) به ریاست ((اجویک)) استاد دانشگاه ((کمبریج))، سعی شد تا وحی را
با استفاده از علومی چون روانشناسی و جامعه شناسی و حتی علوم ادبی چون رمان توجیه کنند.^۱ در
نتیجه، این عده با انکار وحی قدسی و الهی، مبدأ وحی و معرفت وحیانی را درون نفس شخص قلمداد
کردند و با قائل شدن به وحی نفسی در برابر وحی قدسی، سعی کردند تا وحی را با تکیه بر مسائلی
مانند تجلی ضمیر ناخودآگاه در ضمیر خودآگاه و یا بروز تخیلات در قوه خیال و یا با توجیهات دیگری
تفسیر کنند.

نظریه وحی نفسی با توجیه ضمیر خودآگاه بر ضمیر ناخودآگاه را محمد وجدی در *دایره المعارف*
القرن الرابع عشر و محمد رشید رضا در *تفسیر المنار* آورده اند. همچنین نظریه وحی نفسی با توجیه
بروز تخیلات بر قوه خیال، توسط خاور شناس معروف ((مونیته)) ابداع شده است و یک نویسنده
مسیحی به نام ((امیل درمنگام)) در کتاب ((زندگی محمد ص)) آن را شرح و بسط داده است.

^۱ - فرید وجدی، محمد، *دایره المعارف القرن الرابع عشر*، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، بی تا، ج ۱۰، ذیل عنوان وحی.

برخی از نواندیشان و اصلاح طلبان مسلمان معاصر نیز در تبیین های خود از وحی به چنین تفاسیری رو آورده اند. از جمله این افراد دکتر عبدالکریم سروش می باشد که در آثار خود، از جمله در کتاب های «فره تر از ایدئولوژی»، «صراط های مستقیم»، «قبض و بسط شریعت»، «بسط تجربه نبوی» و سایر آثارش نظیر برخی مقالات و سخنرانی ها، تقریباً سعی کرده است چنین تفاسیری از وحی ارائه دهد.

۱-۱ صورت کلی تحقیق

این تحقیق شامل چهار فصل می باشد که در فصل اول آن سعی شده است تا علاوه بر پرداختن به اهداف و ضروریات پژوهش، به دیدگاه بعضی از فیلسوفان مطرح اسلامی و تعاریف و اصطلاحات هرکدام از آنها درباره مؤلفه های پژوهش یعنی ((خیال)) و ((وحی)) پرداخته شود. در فصل دوم سعی شده است تا به تبیین دیدگاه فارابی درباره وحی و نقشی که برای قوه خیال در وحی قائل است پرداخته شود. در فصل سوم نیز به تبیین دیدگاه صدرالمتالهین در این مورد پرداخته می شود. و در نهایت در فصل چهارم با مقایسه دیدگاه فارابی و ملاصدرا و رسیدن به یک جمع بندی کلی از دیدگاه آنها در مورد نقش قوه خیال در وحی، به مقایسه دیدگاه این دو فیلسوف با دیدگاه وحی نفسی پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۱ پرسش پژوهش و تبیین آن :

نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا چیست؟

فارابی و ملاصدرا از جمله فیلسوفانی هستند که به منظور فهم حقیقت وحی و نیز در جهت ارائه یک تبیین عقلانی و خرد پسند از وحی تلاش های زیادی انجام داده اند. در تبیینی که آنها از وحی ارائه داده اند، نقش مهمی را برای قوه خیال قائلند. از طرف دیگر امروزه نیز در غرب، جریانات فلسفی یافت می شوند که همین اهمیت را به قوه خیال داده اند و با طرح نظریه وحی نفسی به قرائت دیگری از وحی رو آورده اند که تبعات آن مورد پذیرش فیلسوفانی مانند فارابی و ملاصدرا که قائل به وحی قدسی هستند، نمی باشد. بنابراین با نظر به اهمیت قوه خیال در پدیده وحی و وجود قرائت های متفاوت از آن، نگارنده در پی مقایسه دیدگاه دو فیلسوف مسلمان در این خصوص با نظریه وحی نفسی می باشد.

۱-۱-۲ پرسش های فرعی :

۱- فارابی چه نقشی برای قوه خیال در پدیده وحی قائل است ؟

۲- ملاصدرا چه نقشی برای قوه خیال در پدیده وحی قائل است ؟

۳- تفسیر فارابی و ملاصدرا چه تفاوت عمده ای با تفسیر وحی نفسی دارد ؟

۱-۱-۳ فرضیات پژوهش :

۱- فارابی نقش محوری را به قوه خیال می دهد و معتقد است که این قوه است که بلاواسطه معارف و حیانی را دریافت می کند و آنها را تبدیل به صور حسی می نماید و کلام الهی به مثابه فیضان و ریزش معنا از عقل فعال بر قوه خیال نبی است .

۲- ملاصدرا نقش محوری را به قوه ناطقه محول کرده، نقش خیال را در حد تبدیل آن معارف به صور حسی تنزل داده و معتقد است روح انسانی نبی، بعد از کسب نور معرفت در اثر تهذیب نفس به عقل فعال یا روح قدسی تبدیل می شود و در حالت تمثیل آن حقایق، از قوه خیال استفاده می -نماید.

۳- با مقایسه نظریات ملاصدرا و فارابی تا حدودی می توان فهمید که نقشی که ایشان برای قوه خیال قائل بوده اند منفصل از حق نیست حال آنکه در نظریه وحی نفسی نوعی انفصال از حق تداعی می شود.

۱-۱-۴ اهداف پژوهش و ضرورت آن:

نظر به اینکه نوع تفاسیری که از وحی می شود تبعات گوناگونی به دنبال خواهد داشت و یکی از آن تبعات تاثیر در باور و عدم باور به حقانیت آموزه های دینی است که در قالب وحی ارائه شده اند، بنابراین تحقیق در حقیقت کیفیت نزول وحی و اعلام نبی به مردم تحقیقی ضروری است و در این کار مقایسه ای، ضمناً هدف آن است که این باور را تشریح کند که اساساً جایی برای بحث وحی نفسی در میان متکلمان و فلاسفه مسلمان وجود ندارد و بستر آن تنها در دنیای غرب گسترده است.

۱-۱-۵ پیشینه پژوهش:

براساس بررسی های انجام شده، پژوهشی جامع پیرامون مقایسه نظریات مختلف با یکدیگر، که همگی قائل به نقش قوه خیال در وحی می باشند، انجام نشده است. البته پژوهش در مؤلفه های این موضوع به طور جداگانه انجام شده است اما به طور تطبیقی، چه مقایسه دو دیدگاه ملاصدرا و فارابی در این زمینه و چه مقایسه و بررسی میان دیدگاه این دو فیلسوف با دیدگاه وحی نفسی در این موضوع، پژوهشی صورت نگرفته است. اما برخی پژوهش ها بر روی مؤلفه های موضوع از این قرار است:

۱- علیمردی، محمد مهدی؛ شبهاتی پیرامون وحی ((نقد و بررسی در ریشه یابی پیدایش وحی نفسی)) دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس.

۲- فاضلی، علیرضا؛ ((تبیین فلسفی وحی و نبوت در حکمت متعالیه در مقایسه با توماس آکوینی))، مؤسسه آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی صدرالمتألهین (صدرا).

۳- متفکر، حسن؛ ((بررسی قوه خیال از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا))، دانشگاه قم، دانشکده علوم انسانی.

۴- ملایری، موسی؛ ((وحی و نبوت در اندیشه صدرالمتألهین و مقایسه آن با نظرات ملاعبدالرزاق لاهیجی))، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱-۲ تعاریف

از آنجا که اساسی ترین واژه های این تحقیق، دو واژه وحی و خیال است، بحث خود را با بررسی این دو واژه آغاز می کنیم.

۱-۲-۱ معنی لغوی وحی :

وحی در لغت به معانی مختلف آمده که جامع همه آنها انتقال مطلب است در ذهن مخاطب، به طور سریع و مخفی، به گونه ای که از دیگران پوشیده باشد.^۱

راغب در ((مفردات)) وحی را به معنای اشاره سریع یا اشاره ای که متضمن سرعت باشد آورده است.^۲

شیخ مفید در شرح عقائد صدوق وحی را به معنای کلام مخفی و همچنین به معنای تفهیم مطلب به ذهن مخاطب به طور سری و پنهانی بیان می کند. اما معتقد است هنگامی که وحی به خداوند نسبت داده می شود، در عرف اسلام به پیامبران اختصاص دارد و به معنای گفتگوی اختصاصی خداوند با پیامبران است.^۳

این معنای لغوی وحی را می توان از برخی آیات قرآن کریم نیز استنباط کرد، از جمله این آیات عبارت است از: آیه ۷ سوره مبارکه قصص ((واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه)) که در اینجا از واژه وحی، الهام و القاء قلبی را می توان استنباط کرد. و یا در آیه ۱۲۱ سوره انعام ((و ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم))، می توان از واژه وحی القای کلام به طور سری و پنهانی را برداشت کرد.^۴

^۱ - امینی، ابراهیم؛ *وحی در ادیان آسمانی*، چاپ دوم، انتشارات بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم)، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۷.

^۲ - *مفردات*، ماده وحی.

^۳ - ((اصل الوحی هو الکلام الخفی ثم قد یطلق علی کل شیء قصد به افهام المخاطب علی سر له عن غیره و التخصیص له به دون سواه و اذا اضیف الی الله تعالی کان فیما یخص به الرسل صلی الله علیهم خاصه دون سواهم علی عرف الاسلام و شریعه النبی(ص)). (المفید، محمد بن نعمان؛ *شرح عقائد صدوق*، قم، مکتبه الداوری، بی تا، ص ۲۳۱.

^۴ - سبحانی، جعفر، *راز بزرگ رسالت*، انتشارات کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸، ص ۱۴۶.

اما در عرف شرایع، لفظ وحی به معنای ایصال کلام خداوند به انبیاء می باشد که گاه به صورت اسم مفعول یعنی کلام منزل نیز استفاده می شود.^۱ در این رساله نیز وحی در همین دو معنا به کار رفته است.

۱-۲-۲ معنای لغوی خیال: «خیال» از ماده خال فلان الشیء، «خیلاً» و «خیلاناً» به معنی گمان است و «خُیِّلَ الیه أنه کذا» به معنی توهم و پنداشتن است.^۲ در لسان العرب هم، خیال به معنی صورتی که در حالت رؤیا یا بیداری دست می دهد، آمده است. همچنین به معنای شاخص و نیز تصویر موجود در آینه گفته شده است.^۳

خیال در اصطلاح به صورت باقی مانده در نفس بعد از غیبت شیء محسوس متعلق به آن، اطلاق می گردد. این صورت، یا تمثیل مادی یک شیء خارجی است که با چشم دیده شده است، مانند ارتسام صورت خیالی شیء در آینه، و یا تمثیل شیء با خطوط نموداری، یا اینکه تمثیل ذهنی شیء مدرک توسط حس باصره یا حواس دیگر است.^۴

فیلسوفان اسلامی، خیال را در معانی مختلفی به کار برده اند. اکثر آنها خیال را به دو مرتبه خیال متصل و خیال منفصل تقسیم کرده اند. خیال متصل به عنوان واقعیتی در محدوده عالم صغیر انسانی در نظر گرفته می شود. و خیال منفصل هم به عنوان عالم دیگری و رای این عالم در نظر گرفته می شود که عالم مثال هم نامیده می شود. این عالم از نظر مرتبه وجودی، حد فاصل عالم عقول و عالم مادی می باشد. زیرا میزان تجرد آن از حس، بیشتر و از عقل کمتر است.^۵

هنگامی که خیال، به عنوان واقعیتی در محدوده عالم صغیر انسانی، در نظر گرفته می شود؛ در دو معنا به کار می رود که ربط نزدیکی به یکدیگر دارند، در معنای اول، خیال همان نفس است که عبارت

^۱ - ملایری، تبیین فلسفی وحی از فارابی تا ملاصدرا، ص ۲۶.

^۲ - المنجد فی اللغة والأدب، ماده ((خال))، بیروت، چاپ بیست و هفتم، ۱۹۸۴.

^۳ - ابن منظور، لسان العرب، ماده ((خیل))، دارالمعارف قاهره، ۲۰۰۰م.

^۴ - صلیبا، جمیل؛ فرهنگ فلسفی، ذیل کلمه ((خیال)) ترجمه از منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶.

^۵ - قطب الدین شیرازی، شرح حکمة الاشراف، انتشارات بیدار، قم، بی تا، ص ۴۷۰

است از عالم خیال در محدوده عالم صغیر انسان، که واسطه بین روح نورانی و مجرد، و جسم ظلمانی و کثیف است. خیال مربوط به عالم صغیر، در دومین معنا، کما بیش با یکی از قوای نفس منطبق است خوانده می‌شود و آن، قوه خاصی از نفس (Imaginatin) که در انگلیسی نیز به همین نام، خیال است که بین امور نورانی و جسمانی، ارتباط برقرار می‌سازد. از یک سو، امور جسمانی را که محسوس-اند، «تجربید» کرده، در حافظه ذخیره می‌سازد. از سوی دیگر، امور مجرد را که با عقل ادراک می‌شوند، تجسد می‌بخشد و به آنها شکل و صورت عطا می‌کند. «خزانه خیال» نفس، مملوء از صوری است که هم از عالم بیرون، نشأت گرفته‌اند و هم از عالم درون، هر کدام از این صور، آمیخته‌ای است از لطافت و کثافت، نور و ظلمت، شفافیت و تیرگی.^۱

در این رساله منظور از قوه خیالی که در وحی نقش دارد همین معنای دوم از خیال متصل است که فارابی و ملاصدرا هردو آن را متخیله می‌نامند با این تفاوت که فارابی فرقی بین قوه متخیله و «خزانه خیال» نفس، که ملاصدرا آن را قوه مصوره یا قوه خیال می‌نامد، قائل نیست. ولیکن ملاصدرا بین قوه متخیله و خزانه خیال نفس [قوه خیال] تفاوت قائل است. البته بایستی اذعان کرد با توجه به نظریه خاص ملاصدرا در مورد وحدت نفس با قوایش، (که بعداً به آن اشاره خواهد شد) نظریه نهایی ملاصدرا در مورد خیال به همان معنای اول آن، یعنی مرتبه بین عقل و حس منتهی می‌شود.

^۱ - چتیک، ویلیام؛ *عواالم خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان*، ترجمه کاظم کاکایی، چاپ اول، انتشارات هرمس، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۱۶-۱۱۵.

۱-۲-۳ وحی در اصطلاح حکما

بعد از ذکر کاربردها و معانی لغوی وحی و خیال اکنون باید ببینیم حکما این مفاهیم را به چه معنای به کار می‌برند و چگونه تعریف می‌کنند.

تعریف فارابی از وحی:

فارابی معتقد است انسان از طریق طی مراتب عقلانی (که به زودی مورد بحث قرار خواهند گرفت) و رسیدن به مرتبه عقل مستفاد، قادر است از افاضات عقل فعال برخوردار شود. فارابی این افاضات عقل فعال به عقل مستفاد انسان را وحی می‌نامد.^۱

تعریف ابن سینا از وحی:

ابن سینا در رساله فعل و انفعال، حقیقت وحی را القاء پنهانی از سوی امر عقلی به اذن خداوند در نفوس بشری ای که مستعد این القاء باشند، بیان می‌کند.^۲

وی از آنجا که برخلاف فارابی قائل به اتحاد عقل فعال با عقل انسانی نیست، در تعریف خود بر القاء تکیه می‌کند و وحی را از مقوله فعل و انفعال می‌داند. فعل از جانب امور عقلی و انفعال از جانب نفس انسانی. و از آنجا که در نظریه ابن سینا، نفوس فلکی نیز در القاء بخشی از وحی که به امور جزئی مربوط می‌شود به عنوان مفیض وحی خواهند بود، بنابراین وی عبارت عقل فعال را در تعریف خود نیاورده است بلکه عبارت [امر عقلی] ذکر کرده است تا نفوس فلکی را نیز شامل شود.^۳

ابن سینا در رساله فعل و انفعال، نظر خود را درباره نفوس فلکی و علم آنها به جزئیات را بیان کرده است.^۴ از نظر ابن سینا همه وقایع و اتفاقات جزئی ای که در عالم طبیعت رخ می‌دهد ناشی از حرکات نفوس فلکی است. از نظر او این حرکات در نفوس فلکی فعلی اختیاری است به همین دلیل آنها، هم از حرکات خود و هم از همه این علوم جزئی حادث در عالم طبیعت آگاه هستند. از نظر ابن سینا انسان

^۱ - همو، *السیاسة المدنیة*، تحقیق الدكتور فوزی متری نجار، بیروت، افست دانشگاه الزهراء ۱۳۶۶ ش، صص ۷۹-۸۰.

^۲ - ((حقیقه الوحی هو الالقاء الخفی من الامر العقلی باذن الله تعالی فی النفوس البشری المستعدة لقبول مثل هذا القاء))، ابن سینا، *رساله فی الفعل و الانفعال*، انتشارات مجلس دائرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۳ ق، ص ۳.

^۳ - ملابری، *تبیین فلسفی وحی از فارابی تا ملاصدرا*، ص ۲۸.

^۴ - ابن سینا، *رساله فی النفس و بقائها و معادها*، الفصل الثالث عشر فی اثبات نبوه، صص ۱۱۷-۱۱۴.